مطالعات تربیت بدنی و علوم ورزشی

ISSN: ۲۴۷۶-۶۸۴۴

دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵

www.irijournals.com

صفحات ۱- ۵

مسوولیت مدنی ورزشکاران در حین عملیات ورزشی از دیدگاه فقها

کامل کیانی [۱]، طه رزم آرا [۲]

دانشجوی دکتری حقوق، گرایش حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، ایران * [۱]

دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

چکیده

از جمله مهمترین موضوعاتی که در زمینه حقوق مسوولیت مدنی مطرح می شود مسوولیت مدنی ناشی از خطاها و اضرار مدنی ورزشکاران در حین عملیات ورزشی است.آن چه در نظام های حقوقی مورد توجه بوده ماهیت مسوولیت مدنی ناشی از حوادث ورزشکارانه با دیگر حوزه های مسوولیت مدنی در تفاوت می باشد به این صورت که پاره‌ای از جرائم مانند ضرب و جرح، در این زمینه مباح و گاه ممدوح است.بازیکنان، در رابطه میان خود و مربیان، پایبند قرارداد ضمنی هستند که مهمترین مشخصه آن پذیرش خطرهای متعارف ورزشی است که در اجرای قوانین ویژه بازیها رخ می‌دهد. بنابراین، معیار تعیین خطای ورزشی«رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی است که فعل زیانبار واقع می‌شود». عامل اضطرار و دفاع مشروع را نیز باید در این شرایط به حساب آورد.تجاوز از این رفتار متعارف خطا و سبب مسؤولیت مدنی است.بحث دیگری که در این زمینه مطرح است بررسی مبنای فقهی مسوولیت مدنی ورزشکاران است و این که در زمینه فقهی آیا خطای مدنی و صدمات مدنی وارد شده به ورزشکاران آیا با قاعده لاضرر در تعارض نیست؟ روش تحقیق در این پژوهش بر روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کتاب خانه ای می باشد. فقها کلا ورزش های ضرری را که موضوع آنها ضرب و جرح به ورزشکار است را تحریم کرده اند اما در بازی های عادی عدم ضمان ورزشکار صدمه زننده را به عنوان تخصیص از قاعده فوق مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی عدم ضمان ورزشکار صدمه زننده در فرع اخیر،رضایت ورزشکار صدمه دیده و پذیرفتن صدمات احتمالی در حین انجام عملیات ورزشی در حیطه قوانین آن ورزش است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، فقها، عملیات ورزشی، خطای ورزشی، قاعده لاضرر.

مقدمه

ورزش یکی از پدیده‌های با اهمیت در زندگی بشر است و برای تمام انسان‌ها و در تمام سنین مفید است،کسالت و تنبلی را از انسان می‌زداید،به وی نشاط و شادابی می‌بخشد، بدن و روح انسان را از بیماری‌ها پاک می‌کند،او را برای انجام کار و فعالیت و وظایف فردی،اجتماعی،شغلی،دینی و...آماده می‌سازد،اخلاقش را بهبود می‌بخشد و یکی از بهترین موارد،برای پر کردن اوقات فراغت است.ورزش،روحیه‌ی شجاعت،از خودگذشتگی،مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت می‌کند و اراده‌ی وی را قوی می‌سازد.با توجه به فواید بسیار ورزش،می‌توان به برتری آن‌چه از نظر علوم مختلف و چه از نظر شرع پی برد،اکنون این سؤال وجود دارد که با این همه فوایدی که برای ورزش موجود است،آیا حالتی وجود دارد که در آن ورزش حرام باشد.یکی از عواملی که ممکن است باعث حرمت ورزش باشد؛ ضرری بودن آن ورزش از نظر ایجاد ضررهای جسمانی معتنی به می‌باشد.به هرروی مسابقات و بازی‌های ورزشی،با وجود فوائد متعدّد،جایگاه خطرها و حوادث فراوانی است.بسیاری از حرکات ورزشی که نمایانگر قدرت و فن ورزشکار است،به همراه خودآسیب‌هایی را نیز در بردارد که به ورزشکاران دیگر وارد می‌آید.در این میان از ورزش‌هایی چونکشتی،اتومبیل‌رانی،بوکس،فوتبال و کاراته،جودو و سایر رشته‌های رزمی می‌توان یاد کرد.دولت‌ها به رغم آگاهی از چنین خطرها و آسیب‌هایی در برابر تمایل شدید جامعه به ورزش وفشار افکار عمومی از احتیاط و برخورد با این حوادث طفره رفته و از مجازات زیان‌زننده دروزرش چشم پوشیده و به قواعد خاص ورزشی که توسط فدراسیون‌های بین‌المللی و ملی تدوین وارائه می‌شود،گراییده‌اند.بدین‌ترتیب دیگر زیان‌های ناشی از حوادث ورزشی لازمهٔ اجتناب‌ناپذیر ورزش تلقی شده است،در نتیجه حادثه و آسیبی که برپایه مقررات کشور می‌تواند جرم و ضمان‌آور محسوب گردد،در رابطه ورزشی جرم نیست و زیان‌های آن قابل تعقیب و مطالبه نمی‌باشد.این نوع حوادث در بندسوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی کشور ما نیز جرم محسوب نشده است.اگرچه مقرّره یادشدهبه مسئولیت کیفری ناشی از عملیات ورزشی‌می‌پردازد و آن را در شمار علل موجهه جرم قرارمی‌دهد،لیکن به لحاظ ارتباط با مسئولیت مدنی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد،به‌ویژه اینکه در اینمجال قانون‌گذار سخنی از لزوم پرداخت خسارت(دیه و ارش)به میان نیاورده و به نوعی مسئولیتمدنی را نیز منتفی دانسته است،در حالی که می‌توانست همانند مسئولیت مدنی پزشک به صراحتاین امر را مورد عنایت قرار دهد.با این مقدمه ابتدا به بررسی مبانی فقهی و حقوقی مسوولیت مدنی ورزشکاران می پردازیم.

مفهوم قاعده لاضرر در عملیات ورزشی

از جمله قواعدی که در این زمینه مورد توجه واقع شده قاعده لاضرر می باشد.قدر متیقن این است که ضرر زدن به خود و یا به دیگری در اسلام نفی شده است، و همچنین حکم ضرری در شریعت جعل نشده است. مرجع در تعیین ضرر و ضرار عرف است. در مواردی که نتوانیم ضرر را تشخیص بدهیم، مراجعه به عرف می‌کنیم، اگر عرف یک امری را ضرر ندانست، قاعدهٔ «لاضرر و لاضرار» آن را نمی‌گیرد، و ارتکاب آن نیز حرام نمی‌باشد. و البته این در جایی است که ما دلیلی از طرف شارع برای تفسیر و توسعه و تضییق ضرر نداشته باشیم. ولی اگر دلیل خاصی داشته باشیم که یک امری را ضرری بداند، به عرف مراجعه نمی‌شود.و این نکته نیز ناگفته نماند که ضرر همیشه امر ثابت نیست، بلکه ضرر نسبت به اشخاص، اموال و مکان و زمان فرق می‌کند، و باید این اعتبارات همیشه مورد نظر باشد(آقا ضیاءالدین عراقی،بی تا، ص۲۶۲) گروهی از فقها بر این باورند که مفاد قاعده‌ی«لا ضرر»،نهی از ایجاد ضرر می‌باشد یعنی ضرر زدن به یکدیگر از دید شرع ممنوع و حرام است.بنابراین برداشت«لا ضرر و لا ضرار»به این معنا است که هرکس به دیگری ضرر بزند،باید آن را جبران کند،بنابراین اگر مالی از کسی از بین برود و جبران در برابر آن نباشد،این ضرر است و چون این ضرر در شریعت اسلام نفی شده است،پس باید در برابر آن تدارک و جبرانی وجود داشته باشد.(موسوی بجنوردی،قواعد الفقهیه،بی تا،ص۸۱۲)اکنون می توان مطالب بالا را در سه گروه به صورت زیر دسته بندی کرد.

نخست ضررهایی که در ورزش به وجود می‌آید به شرط آن‌که ناشی از اراده‌ی ورزشکار باشد و به‌طور اتفاقی به وجود نیامده باشد،هم‌چنین نزد عرف،ضرر محسوب شود و معتنابه باشد،ظاهر این است که باید قایل به حرمت این نوع ضرر شد؛زیرا

چنین عملکردی با قاعده‌ی لا ضرر منافات پیدا کرده و چنان‌که می‌دانیم قاعده‌ی لا ضرر بر ادله‌ی احکام اولیه حاکم است.بنابراین بنا به قاعده‌ی«لا ضرر و لا ضرار»که عین حدیث پیامبر اکرم(ص)نیز است،هرگونه ضرر رساندن چه ضرر بر نفس باشد و چه بر غیر ممنوع است و کسی حق ندارد بر خود یا بر دیگری ضرر وارد کند.در مقابل صدمه‌هایی که در ورزشها ممکن است بر ورزشکاران وارد آید به شرط آن که آن ورزش نوعا مضر نباشد و آن صدمات نیز بدون ارادهی ورزش کار بر او وارد آید و یا این‌که آن ضررها و صدمات جزو صدمات و ضررهای معتنی نباشد و عرف آنها را ضرر محسوب نکند،چنین ضررهایی حرام نخواهد بود؛زیرا،چنان‌که گفتیم مبنای کار این قسمت قاعده‌ی«لا ضرر و لا ضرار»می‌باشد و این گونه صدمه‌ها به دلیل این‌که اتفاقی بوده و خارج از اراده‌ی ورزش کار است یا آن ضرر در نزد عرف ضرر معتنابه نیست و از طرفی آن ورزش نیز نوعا مضر نیست در زمره‌ی این قاعده قرار نمی‌گیرد ۲.چنان‌چه خواسته باشیم تمام صدمات وارده در ورزش را با قاعده‌ی لا ضرر،مردود و مورد نهی بدانیم باید جلوی تمام ورزش‌ها گرفته شود زیرا تمامی ورزش‌ها ممکن است با صدمات بدنی و جسمی همراه باشند درحالی‌که درنفس ورزش مصلحت‌های بالاتری وجود دارد که در مواردی باید احتمال ضرر را با توجه به مصلحت‌های آن قبول و از آن صرف نظر کرد.دوم در برخی از ورزش‌ها احتمال صدمه و ضرر بسیار بالا است مانند برخی از انواع بوکس و کشتی کج.چنانچه مشخص است در این نوع ورزش‌ها،ورزشکاران از همان ابتدا با هدف پیروزی بر حریف،به ایراد صدمه و جراحت می‌پردازند و بعید نیست،چنین ورزش‌هایی که بیشتر مصلحتی در آن نیست و ضرری می‌باشند از باب قاعده‌ی لا ضرر حرام باشند.البته ادله‌ی دیگری نیز می‌تواند در این رابطه مورد استدلال قرار بگیرد مانند. آیه‌ی ۵۹۱ از سوره‌ی بقره۱که می‌فرماید:خود را با اختیار خود به هلاکت میندازید.این آیه بر وجوب حفظ نفس و حرمت آسیب رساندن بر آن دلالت دارد؛یا دست کم می‌توان گفت یکی از مصادیق آیه این معنا می‌باشد.(محقق داماد،۱۳۷۶،ص۵۹) بنابر مفهوم این آیه هرگونه ورزشی که باعث ایراد صدمه و ضرر بر انسان شود و سلامت او را به مخاطره بیاندازد حرام و ممنوع خواهد بودو سومین بحث این که برخی از ورزش‌ها نیاز به مهارت زیاد دارند و این مهارت بالا در صورتی حاصل می‌شود که فرد نیز کادر مربیان کارآزموده به تمرین و کسب مهارت بپردازد و در صورتی که فرد مراحل تمرین و کسب مهارت را طی نکند آن ورزش برای او ضرری خواهد بود.به عنوان نمونه می‌توان به ورزش اسکی،یا کوهنوردی اشاره کرد.حکم فقهی در این‌گونه ورزش‌ها وجوب تمرین و کسب مهارت و حرمت پرداختن به ورزش بدون طی این مراحل می‌باشد زیرا برطبق ادله‌ی ارایه شده(لا ضرر و....)پرداختن به این ورزش‌ها بدون کسب آمادگی لازم ضرری بوده و باعث وارد آمدن صدمه و آسیب به ورزشکار خواهد شد (محمدزاده رهنی، ۱۳۸۷،ص۹۶).

مسوولیت وزشکاران در نظم حقوقی کنونی

نظام حقوقی ما طوری است که از مسوولیت ناشی از ضرب و جرح‌های ناشی از حوادث ورزشی جرم‌زدایی گردیده و قواعدعمومی مسئولیت مدنی(که در این خصوص برپایه وجود خطا و تقصیر فرض می‌شود)اجرانمی‌گردد و به ناچار باید تقصیر و خطای ورزشی را تابع قواعد ویژه این حرفه و مقرّراتفدراسیون‌های رسمی رشته‌های ورزشی کرد یا آنکه برپایه پذیرش خطر و یا شرط عدم مسئولیت،انتفای مسئولیت مدنی ورزشکاران را توجیه نمود.به هرروی،در مورد مبنای عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در عملیات ورزشی دیدگاه‌های‌حقوقی متفاوتی وجود دارد،در ادامه به معرّفی مهم‌ترین این دیدگاه‌ها می‌پردازیم تا زمینه مناسببرای مطالعه و بررسی فقهی فراهم گردد. (کاتوزیان،۱۳۸۷،ص۴۰۶)

عنصر تراضی و رضایت قبلی دایر بر برائت ضرر زننده

از جمله مهمترین مبانی که در نظم حقوقی کنونی مورد توجه بوده عنصر تراضی و رضایت قبلی دایر بر برائت ضرر زننده در وقوع خسارت می باشد.از این‌رو چگونه می‌توان به او حق تعقیب داد و ورزشکارعامل زیان را مسئول دانست.از سوی دیگر،عرف گذشت و مردانگی و تقدیس اخلاقی تهوّر و بی‌باکی در بازی‌های ورزشی از عوامل حقوقی و روانی دیگری است که حربهٔ قانون را کند می‌کند وویژگی مسئولیت‌های ورزشی را نمایان می‌سازد.حتی ورزشکاری که با دنده شکسته یا دستی وبالبه گردن بیرون می‌آید،نه تنها زیان و ستمی را که براو رفته است،احساس نمی‌کند و به آننمی‌اندیشد،بلکه به مردانگی و

شـجاعت خـویش هم می‌نازد و چنان‌چه از باب تعقیب عامل زیان وجبران خسارت درآید،با عتاب و تحقیر وجدان عمومی سرافکنده می‌شود.

این دیدگاه در حقوق بـسیاری از کشـورها بـه‌ویژه در رویه قضایی دادگاه‌های انگلیس و آمریکا موردحمایت قرار گرفته است و آرایی که دعاوی جبران خسارت را به استناد عرف،رضایت زیان‌دیده وشرکت اختیاری او در مسابقه ردّ کرده‌اند، فراوان است(والتر.تی جامپیون جـونیور، ۲۴-۱۹).

البـته در تحلیل بیشتر و دقیق از نظریه قبول خطر و رضایت زیان‌دیده،علاوه برماهیت اقـدامآمیز آن مـی‌توان به ابراء مسئولیت و نوعی توافق ضمنی دست یافت.از این‌رو برخی از نویسندگاندر بررسی‌های خود اظهار نظر کردهـاند کهـ قـبول خطر،پذیرش ارادی،صریح یا ضمنی خطری استکه شناخته شده و مورد ارزیابی قرار نگرفته اسـت،بـنابراین کسـی که خطر ناشی از رفتار غیر راپیش‌بینی کرده و می‌پذیرد،نمی‌تواند در صورت تحقق ضرر و زیان،مطالبه خسارت نـماید (بوشهری،۱۳۷۹،ص۱۱۳).

نـاگفته نـماند که رضایت و قبول خطر به منزله پذیرش تمامی آسیب‌های ناشی از حوادثورزشی و انتفای کامل مسئولیت نیست.زیرا حـتی ورزشـکاران حرفه‌ای هم خطرهای عادی بازی راقبول می‌کنند،و به خطرها و آسیب‌های ناشی از خطاهای عـمدی طـرف مـقابل،یا قصور برگزارکنندهمسابقات یا مسئولان ورزشگاه تن درنمی‌دهند.خصوص رضایت زیان‌دیده و به نوعی توافق ضمنی در مورد پذیرش خطر و انتفای مسئولیت قابلاثبات است،لیکن در مـورد خـطرهای نامتعارف و غیر قابل پیش‌بینی چنین رابطه‌ای برقرار نخواهد بود.بنابراین شرکت اخـتیاری در بـازی‌های ورزشـی،حتی رشته‌های خشن که متضمّن حوادث ودرگیری‌های بدنی است،به معنای رضایت ضمنی به خطرهای عـادی آن اسـت.لیکن رضـایت بهدرگیری‌های ممنوع و آسیب‌های نامتعارف را در برندارد،زیرا این خطرها غیر قابل پیش‌بینی وغیر قابل پذیرش و تـوافق اسـت.رویه قضایی پاره‌ای از کشورها نیز به همین باور گراییده‌اند (آقایی‌نیا،۱۳۸۱، ص۶۹). برخی نویسندگان حقوق جـزای ایران بـا ردّ نظریه مبتنی برضایت مجنی علیه در حوادثورزشی به دیدگاه مبتنی برعرف و عادت و اجـازه قـانون گراییده و اظهار داشته‌اند فقط اجازه قانونی‌است که مـی‌تواند تـوجیه‌کننده جـرائمی باشد که در چنین شرایطی پیش می‌آید (نوربها،۱۳۷۹،ص۳۱۳).

حاکمیت عرف

یکی از حقوقدانها در کتاب خود معتقد است که «نیاز اجتماعی و قدرتعرف،می‌تواند قدرت قانون و دولت را بی‌فروغ و ناتوان سازد»(کاتوزیان،۱۳۸۷،ص۳۹۶). خطای ورزشی را عرف و عادت مشخص مـی‌کند،البـته این عرف توسط فدراسیون‌های داخلی‌و بـین‌المللی تـدوین و در مجموعه قوانین و مقرّرات آن رشته ضبط و گاه تعدیل و تصحیح می‌شود،بدین ترتیب عرف و عادات خاص،قواعد بازی‌ها و مسابقه‌های ورزشی را معین می‌کند و براساساین مجموعه قواعد و مـقرّرات خـطا و مسئولیت تشخیص داده می‌شود.بـاید دانـست که این مجموعه مقرّرات و الزامات ناشی از عرف و گروه‌های اجتماعی خاص،مبنای الزامات حقوقی قرار می‌گیرد و دولت را به پذیرش و انعطاف در برابر آن وادار می‌سازد،هرچند در مواردی دولت‌ها نیز برپایه اصول و هنجارهای ویژه خود در مقابل پاره‌ای از آن‌هاایستادگی می‌کنندبه هرروی در خصوص این دیدگاه به اختصار می‌توان چنین گفت که ضرورت و نیاز اجتماعی‌و قدرت ناشی از عرف توجیه‌گر حرکات ورزشی و حوادث ناشی از آن است،از این‌رو اگرورزشکار با رعایت مـقرّرات یک رشـته با ضـربه‌ای مجاز به حریف خود آسیب برساند،نمی‌توان براساس مقرّرات کلی مسئولیت مدنی(تقصیر)او را به جبران خسارت محکوم سـاخت.هرچند نیازهای اجتماعی و قدرت عرف در پی فروغ ساختن دولت جای تردید ندارد،لیکن بـهنظر مـی‌رسد نـمی‌توان این دیدگاه را به تنهایی توجیه‌گر انتفای مسئولیت مدنی در حوادث ورزشی‌دانست،چه اگر چنین بود در مورد مسئولیت مدنی قـاصی و پزشـک هم که به مراتب ضرورت‌های‌اجتماعی و نیز تأثیر هنجارها و الزامات عرفی بیشتر است،چنین وضـعیتی رخ مـی‌یافت.در حـقیقتنیازهای اجتماعی و تأثیرات عرف،پایه و اساس است تا دولت‌ها در قوانین متأثر گردیده و چنینزمینه‌هایی را پیش‌بینی کنند.به عـبارت رساتر عرف و ضرورت اجتماعی زمینه تمایل قانون‌گذار رابه روانگاری و مسئولیت‌زدایی(اجازه قانونی)فـراهم می‌آورد.از سوی دیگر بـه اقـتضای عرف،مجامع ورزشی(از قبیل فدراسیون‌های ورزشی جهانی وسازمان‌های ورزشی فراملّی)می‌تواند عنان امور را یکسره از دولت بگیرد و خود

به وضع قاعدهبپردازد.این گروه،جهانی ویژه خود دارد که در آن حکم می‌راند و دولت‌ها در عمل ناچار به پیروی‌از آن هستند(همان،ص۳۹۸). از این‌رو مرز خطای ورزشی و قلمرو مسئولیتناشی از حوادث ورزشی برپایه مقرّرات و تصمیمات چنین مجامعی مشخص می‌شود و در واقععرف اینان است که معیار تمیز تقصیر و خطای ورزشی قرار می‌گیرد و برمبنای این عرف است کهدر تبیین تقصیر ورزشی،رفتار ورزشکار معقول و متعارف در آن رشته معیار قرار می‌گیرد.

عدم مسوولیت بر مبنای شرط

قراردادهای برائت و مصونیت از مسئولیت نیز در توجیه پاره‌ای از حوادث ورزشی و انتفای‌مسئولیت مدنی در آن،نقش دارد.این مورد نیز همانند هشدار غالبا به صورت مکتوب و طی‌قرارداد میان بازیکنان و فر شرکت در مسابقات و بازی‌ها مورد بهره‌بداری قرار می‌گیرد(آقایی‌نیا،حسین،۱۳۸۱، ص۵۷). با این همه،چنانکه پیشتر گفته شد قرارداد یا شرط تبرّی و معافیت از مسئولیت در مورد زیان‌های‌عمدی و در حکم عمد نفوذ و وجاهت ندارد،از سوی دیگر بکارگیری هشدار و ابراء در همه رشته‌ها ومسابقات ورزشی امکان‌پذیر و فراهم نیست و در عمل معدودی از مسئولیت‌های ورزشی به هشدار وقراردادهای برائت از مسئولیت پیوند می‌خورد.بدین‌ترتیب بناکردن انتفای مسئولیت مدنی در ورزش براساس هشدار و ابراء،عمومیت و فراگیری مطلوب را ندارد،ضمن اینکه در مقرّرات مربوط به‌ویژه بند ۳ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی رفع مسئولیت ناشی از حوادث ورزشی به قیدهایی چون دادن هشدار وآگاهی یا معافیت و برائت جستن از مسئولیت محدود نشده است.

نتیجه گیری

براساس قواعد کلی نظیر«لا ضرر»پرداختن به ورزش ضرری و ورزش‌هایی که در آنها احتمال صدمه و آسیب بالا است حرام بوده و در صورتی که ایجاد صدمه از سوی یک ورزشکار بر ورزشکار دیگر باشد،ورزشکار صدمه زننده،ضامن خواهد بود.در صورتی که ورزشکاران با علم و اطلاع از قوانین ورزش و با علم به این‌که ممکن است در آن ورزش از طرف ورزشکاران دیگر مورد صدمه قرار گیرند به ورزش بپردازند قاعده لا ضرر تخصیص می‌خورد و در این صورت ورزشکار صدمه زننده در قبال صدمه‌هایی که بر ورزشکار مقابل وارد می‌آید، ضمانتی نخواهد داشت. مبنای فقهی این استدلال رضایت ورزشکار صدمه دیده(مجنی علیه)در محدوده‌ی قوانین آن ورزش است و در این صورت قصاص و دیه از فرد جانی ساقط خواهد بود.

فهرست منابع و ماخذ

۱- آقایی‌نیا،حسین؛۱۳۸۳، حقوق ورزشی،تهران،نشر میزان،چاپ دوم.

۲- آقا ضیاءالدین عراقی،بی تا، فوائد الاصول، قم، جامعۀ مدرسین، ج۳.

۳- بجنوردی،سید محمد؛۱۳۷۹، قواعد فقهیه،تهران،مؤسسۀ عروج،چاپ سوم.

۴- بوشهری،جعفر؛۱۳۷۹، حقوق جزاء،اصول و مسائل،تهران،شرکت سهامی انتشار.

۵- جامپیون ونیور؛والتر.تی؛۱۳۸۶، مبانی حقوق ورزش‌ها،مسئولیت مدنی در ورزش،ترجمه دکتر حسین آقایی‌نیا،تهران،نشر دادگستر.

۶- کاتوزیان،ناصر؛۱۳۷۸، حقوق مدنی،الزام‌های خارج از قرارداد،تهران،دانشگاه تهران.

۷- محقق داماد،سید مصطفی؛۱۳۷۶، قواعد فقه بخش مدنی،تهران،مرکز نشر علوم اسلامی،چاپ دهم.

۸- محمدزاده رهنی،محمدرضا، ۱۳۸۷، بررسی فقهی حوادث و صدمات ورزشی، مجله فقه و تاریخ تمدن،ش۱۶

۹- نوربها،رضا؛۱۳۷۹، زمینه حقوق جزای عمومی،تهران،گنج دانش.